

خوانش فضا بر مبنای نظریات فضا - قدرت فوکو مطالعه موردی: میدان نقش جهان در عصر صفوی

سمر حقیقی بروجنی^۱ * (نویسنده مسئول)، سید عباس یزدانفر^۲، مصطفی بهزادفر^۳

^۱ استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
^۲ دانشیار گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
^۳ استاد گروه شهرسازی، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۲)

چکیده

از دهه ۶۰ میلادی با اهمیت پیدا کردن مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و منافع انسانی در همه ابعاد، مفاهیمی نظیر قدرت در مباحث اجتماعی مطرح و به تبع آن وارد حوزه طراحی و برنامه‌ریزی محیط مصنوع نیز شد. در بررسی مطالعات جامعه‌شناختی انجام شده در مورد پیوند فضاهای ساخته شده و روابط قدرت، در قلمروی نظری نتایج گسترده و متنوعی به دست می‌آید؛ لیکن آنچه در این میان توسط پژوهشگران معماری و شهرسازی کمتر مورد توجه قرار گرفته کاربست این نظریات در تحلیل محتوایی فضاهای ساخته شده است. این مقاله با هدف ایجاد ارتباطی کارا میان نظریات جامعه‌شناختی فضا و قدرت و تحلیل محتوایی فضاها در مطالعات شهری شکل گرفته و رویکرد نظری آن مبتنی بر آرای میشل فوکو درباره قدرت و فضا است. دستاورد این پژوهش چارچوبی تحلیلی است، با استفاده از نظریات فوکو در این حوزه، که با رویکرد شناخت شیوه‌های نفوذ در فضا توسط صاحبان قدرت، به عنوان ابزاری در فهم معانی مستتر در یک فضای شهری مورد استفاده قرار گرفته است. به نظر می‌رسد مکانیسم‌های فضایی^۲ که خود مشتمل بر دو شیوه (۱) نظارت و کنترل بر ساختار کالبدی فضا و (۲) تعریف الزامات عملکردی صریح آشکار یا غیر آشکار است، مهمترین ابزارهای طبقه قدرت در نفوذ به فضا و بازتولید قدرت حکومت هستند. این مکانیسم‌ها در تحلیل محتوایی میدان نقش جهان اصفهان در دوران شاه عباس صفوی، به آزمون گذاشته شده‌اند. این مقاله رویکردی کیفی دارد که فن گردآوری داده‌های آن بررسی اسناد و مشاهده است. داده‌ها در بخش نظری، از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای و در مورد وضعیت میدان نقش جهان در زمان شاه عباس نیز با استفاده از فنون مشاهده و مطالعه منابع تاریخی دسته اول و دوم گردآوری شده‌اند. پژوهش از نظر شیوه تحلیل داده‌ها نیز یک پژوهش تاریخی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: فضای شهری، قدرت، میشل فوکو، تحلیل محتوایی، میدان نقش جهان.

مقدمه

سازماندهی فضاهای شهری تحت تاثیر سازوکار پیچیده‌ای از نیروهای سیاسی، اقتصادی، بافت اجتماعی و فرهنگی، نیروهای خارجی و نقاط عطف تاریخی شکل می‌گیرد. از این رو فضای شهری جایی است که نقش نیروهای اجتماعی و اندیشه‌های حاکمیتی بر آن حکم می‌شود. به نظر می‌رسد بررسی شهرها دینامیک این نیروها را آشکارتر می‌سازد. جریان‌های قدرت، نابرابری‌های طبقاتی و ... با مکانیسم خاصی خود را بر فضای هر شهر منعکس می‌کنند. عصر صفوی و به خصوص دوران شاه عباس اول نقطه عطف مهمی در تحول فضاهای شهر اصفهان محسوب می‌شود. حبیبی معتقد است که شکل‌گیری دولت قاهر مرکزی و استیلای سیاسی - عقیدتی در عصر صفوی، سبب گشته تا این دولت به شهر چون نماد تجسم و تجسد کالبدی - فضایی مفاهیم عقیدتی - سیاسی، فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی، بنگرد (۱۳۸۷: ۹۴). به نظر می‌رسد اثر چنین تفکری را در فضاهای شهری بخش نوساخته صفوی می‌توان دنبال کرد.

این پژوهش تلاش می‌کند با تمرکز بر میدان نقش جهان به عنوان یکی از فضاهای شهری بزرگ مقیاس و ساخته شده در زمان شاه عباس اول به این پرسش اساسی پاسخ دهد که حکومت صفوی از چه تکنولوژی‌های فضایی در تولید و بازتعریف فضاهای شهری استفاده کرده تا این فضاها را به صحنه‌های مناسب برای بازتولید مناسبات قدرت این حکومت بدل گرداند. رویکرد نظری این پژوهش مبتنی بر آرای میشل فوکو در مورد چگونگی جریان قدرت در فضا است. فوکو به طرح یک نظریه عام فضا-قدرت پرداخته است. با این حال طرح معروف او از پیدایش «جامعه‌ی انضباطی» از بطن تعدادی از حرف و فعالیت‌های همبسته در سده نوزدهم فرصتی را برای پژوهش در استفاده از مفهوم قدرت و نیز اهمیت بُعد فضایی در فهم او از روابط اجتماعی فراهم می‌آورد. او یکی از نخستین نظریه پردازانی است که به تشریح مکانیسم‌های فضایی که به دست تولیدکنندگان فضا به تدریج شکل گرفته‌اند و ابزارهای فضایی برای جادگی به بدن‌های انسانی، استقرار انضباط و درونی سازی کنترل اجتماعی، می‌پردازد.

در انتها به نظر می‌رسد که اگرچه فاکتورهای بسیاری مانند اعتقادات مذهبی، تحولات اجتماعی، مالکیت اراضی و ... می‌توانند ساختار و عملکرد این میدان را تحت تاثیر قرار داده باشند اما نمی‌توان اثر بازنمایی قدرت سیاسی صفوی و تلاش شاه عباس برای بازتولید قدرت خود از خلال فضا را به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تاثیرگذار انکار کرد. انتخاب این میدان به عنوان نمونه موردی بدین دلیل بوده که مطالعات متعددی در مورد آن انجام شده است؛ لذا تحلیل مجدد آن، از زاویه‌ای متفاوت، می‌تواند ظرفیت چارچوب نظری مورد نظر را در کشف معانی جدید و فهم کاملتر مفاهیم موجود از یک فضای یکسان، روشن سازد.

پیشینه پژوهش

ساختار فیزیکی شهرها تحت تاثیر نیروهای متعددی در طول زمان شکل می‌گیرد. لیکن گاهی همچون شهر اصفهان در عصر شاه عباس، ساختار شهر دچار نوعی دگرگونی در بازه زمانی کوتاهی می‌شود. این سطح از تحول را می‌توان تحت تاثیر عوامل متعددی همچون نیروهای اجتماعی (کلانتری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۸۹)، سیاسی (حقیقی و دیگران، ۱۳۹۶)، سرعت ساخت (Falahat & Shirazi, 2012) و ... دانست. در مورد ساختار فضاهای شهری اصفهان به خصوص میدان نقش جهان و چهارباغ منابع متعددی وجود دارد اما اغلب این پژوهش‌ها عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری چنین سازماندهی فضایی را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. در این میان منابعی نیز وجود دارند که به تاثیر تفکرات سیاسی خاندان صفوی بر معماری و شهرسازی این دوران پرداخته‌اند (Rizvi 2010)، لیکن آنچه در این قسم از پژوهش‌ها نیز کمتر دیده شده است، سازوکار طبقه قدرت در تولید چنین فضاهایی است که بتواند در خلال استفاده شهروندان از آنها به بازتولید مناسبات خود دست پیدا کند.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است. در مورد رویکرد آن نیز باید گفت که توجه به معانی، دیدگاه‌ها و ادراکات برای فراتر رفتن از لایه‌های سطحی و درک بینشی عمیق‌تر از موضوع، تأکید بر واقعیت‌های تجربی و مشاهده از مهم‌ترین ویژگی‌های یک پژوهش کیفی است که به همین منظور رویکرد انتخابی در این پژوهش می‌باشد. بر اساس رویکرد طرح شده جهت تحقیق، داده‌های مورد استفاده در حوزه ادبیات نظری با رجوع به اصلی‌ترین کتب فوکو در باب موضوع مورد بحث و آثار دیگر فوکو گرایان، گردآوری شده‌اند. در مواجهه با تحلیل میدان نقش جهان داده‌ها با استفاده از متون، منابع و اسناد تصویری تاریخی و دست اول و دوم از یک سو و مشاهده و حضور در میدان از سویی دیگر به دست آمده‌اند. در ابتدا شیوه‌های نفوذ طبقه قدرت در فضا از خلال نظریات فوکو استخراج شده و در مرحله تحلیل، ویژگی‌های کالبدی و عملکردی میدان نقش جهان اصفهان در دوران شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ.ق) از منظر چارچوب نظری به دست آمده مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

چارچوب نظری پژوهش

فوکو قدرت را به معنای شیوه انجام عمل روی اعمال دیگران تعریف می‌کند، چیزی متمایز از زور و اجبار. کسی که دست و پایش زنجیر است و کتک می‌خورد تابع زور است نه قدرت (فوکو، ۱۳۸۹: ۴۲۹). او معتقد است که باید از توصیف همیشگی اثرات قدرت در قالب واژه‌هایی منفی نظیر قدرت طرد کننده، سرکوب‌گر، سانسورگر، پنهان کننده و ... دست کشید. در واقع

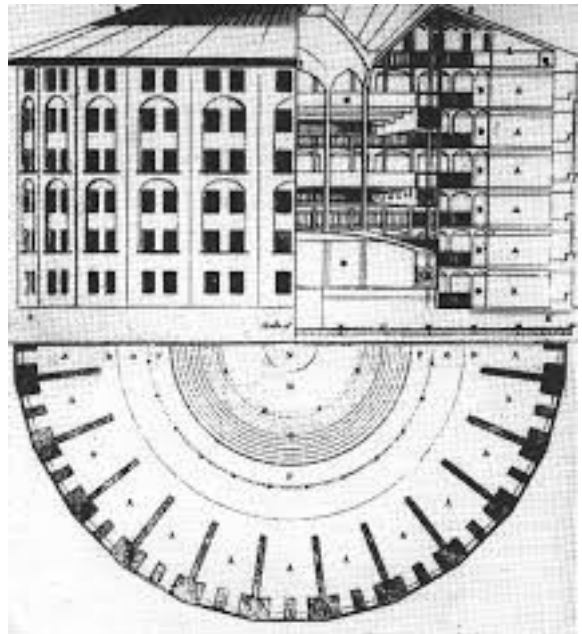
در سده هیجدهم می توان پیشرفتی را در تأمل درباره معماری به عنوان کارکردی از اهداف و تکنیک‌های اداره جوامع دید (Foucault, 1986: 239, 240, 241). او فهم اندیشه‌های خود را از رابطه فضا و قدرت از طریق جلب توجه به رشد نهادهای اجتماعی در اروپا از قرن هیجدهم میلادی تاکنون میسر می‌سازد. طبق نظر فوکو، شکل‌گیری دانش جدید در عصر روشنگری، طی قرن‌های گذشته با تکوین صورت‌های جدیدی از مناسبات قدرت همراه بوده است که با محو شدن صورت‌های آشکار سلطه، زیر نقاب آزادی در سایه پوشانده شده و از نظرها مخفی مانده‌اند (Foucault, 1980). او ظهور این صورت‌بندی‌های جدید از قدرت را با تاسیس موسسات جدیدی چون بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها همزمان می‌داند.

به طور مثال او با اشاره به طرح معماری بنای سراسرین^۶ (شکل یک)، آن را نقطه اوجی در تاریخ استفاده از فضا برای درونی‌سازی کنترل اجتماعی در سوژه‌های انسانی به شمار می‌آورد. این بنا بر اساس طرحی حلقوی و برجی دیده‌بانی با پنجره‌های باریک دور تا دور، در مرکز و ردیف سلول‌های پیرامونی با پنجره‌های به سمت برج و پنجره‌های رو به بیرون، طراحی شده است. «حال کافی است که مراقبی در برج مرکزی جا گیرد و در هر سلول یک دیوانه، بیمار، محکوم، کارگر یا دانش آموز حبس شود. بر اثر تابش نور از پشت، می‌توان از برج که کاملاً رو به نور است، سایه‌های اسیر در سلول‌های پیرامونی را زیر نظر داشت... در سراسرین اصل سلول تاریک وارونه شد. به عبارت بهتر از سه کارکرد آن یعنی حبس کردن، محرومیت از نور و پنهان کردن، فقط اولی حفظ شد. روشنایی کامل و نگاه یک مراقب بیشتر از تاریکی که نهایتاً محافظت می‌کند، در اسارت می‌گیرد. رویت پذیری یک دام است.» (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۴۸-۲۴۹) فوکو این بنا را نوعی تکنولوژی انضباطی به شمار می‌آورد که نوعی جادوی بدن‌ها در مکان است. نوعی توزیع بدن‌ها که بدون بکارگیری هیچ ابزار فیزیکی جز معماری و هندسه به طور مستقیم بر افراد اثر می‌گذارد (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۵۶). «چنین سازوکاری مهم است چون قدرت را خودکار و غیر فردی می‌کند. اساس این قدرت... بیشتر بر نوعی توزیع تنظیم شده بدن‌ها، سطح‌ها، روشنایی‌ها و نگاه‌ها استوار است. بر مجموعه‌ای از دستگاه‌ها که سازوکارهای درونیشان مناسباتی را تولید می‌کنند که افراد در آن گرفتارند...» (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۶۰)

تکنولوژی انضباطی در نظر فوکو با نگاه خردبینانه‌اش و با توجه به جزئیات، می‌خواهد زندگی روزمره افراد را سامان ببخشد. توزیع و طبقه‌بندی افراد در مکان و جداسازی بدن‌ها از یکدیگر از نخستین تکنیک‌هایی است که تکنولوژی انضباطی از آن برای رویت‌پذیر کردن افراد و آنچه درون فضا می‌گذرد، بهره می‌برد. این همان است که فوکو هنر توزیع‌ها^۷ می‌خواند. بنابراین فضا برای فوکو بیش از آنکه محملی برای مفاهیم انتزاعی و ایدئولوژی‌ها باشد، در درجه اول جایی است که گفتمانهای قدرت و دانش تبدیل به

قدرت تولیدکننده واقعیت‌ها و قلمروهای ابژه‌ها و حقیقت است و خرد و شناختی که در هر دوره می‌توان به دست آورد به این تولید بستگی دارد (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۴۲). آنچه این جا کاویده می‌شود «گفتمان‌هایی انضباطی» هستند که پرکتیس‌های پراکنده قدرت جاری و ذاتی در بازنمایی‌های شکل‌های فضا را که بخش اصلی نظریه‌ی اجتماعی فوکو است و وضوح می‌بخشد.

از نظر او در سده‌های اخیر در اشکال اعمال قدرت تحولاتی رخ داده است به این صورت که قدرت، در قرون هفدهم و هیجدهم از شکل حاکمیت و سرکوب به شکل قدرت مشرف بر حیات با هدف تأمین رفاه و سلامت فرد و جمع، درآمد و در سده نوزدهم به شکل آناتومی سیاسی بدن با تأکید بر بکارگیری تکنولوژی انضباطی ظاهر شد (دریفس و رایینو، ۱۳۷۸: ۳۰). فوکو در خصوص قدرت، درک سلسله مراتبی ساده را رد می‌کند و معتقد است قدرت یک مفهوم ساده دستوری و از بالا به پایین نیست، بلکه حالت شبکه‌ای دارد (۱۳۸۹: ۴۲۹). بنابراین او اعتقاد دارد که سوژه قدرت می‌تواند با فعالیت‌های اجتماعیش فضاهایی خلق کند که در تضاد با روابط غالب قدرت در آن محیط است. بنابراین فضا برای فوکو استعاره ایست برای ظرف قدرت‌های متضاد (Fokdol, 2008: 23). با این وجود در بحث از فضا و چگونگی سیطره قدرت بر فضا فوکو بر خلاف دوسرتو^۴ بیشتر بر روی جریان قدرت از بالا به پایین متمرکز شده است



شکل شماره ۱: طرح زندان سراسرین؛
مأخذ: Evans, 1971:22

رویکرد فضایی فوکو را می‌توان در مکان‌ها، قلمروها و سایت‌های مشخص به عنوان موضوع تحلیل‌هایش ردیابی کرد. فوکو معتقد است که «اواخر سده هیجدهم میلادی، معماری کم‌کم درگیر مسائلی (تمرکز) جمعیت، سلامت و مسأله شهر شد... (معماری) به موضوع استفاده از آرایش فضا برای اهداف اقتصادی-سیاسی تبدیل شد» (Foucault, 1980: 148). از نظر او

مناسبات واقعی قدرت می‌شود. بر همین اساس به تعبیر فوکو فضا در هر شکلی از زندگی اجتماعی مقوله‌ای بنیادی است و اساس هر اعمال قدرتی است (۱۹۸۶:۲۵۶). فوکو همین پروتوتایپ‌های فضای انضباطی را در ساختمان نهادهایی چون بیمارستان و کارخانه نیز بررسی می‌کند. در نهایت او با مقایسه این بناها تصویری از انضباط در اروپا ارائه می‌دهد. مکانیسم انضباط^۸ که با سریع‌تر کردن، سبک‌تر کردن و کارا تر کردن اعمال قدرت، کاربست آن را بهبود می‌بخشد (فوکو ۱۳۷۸: ۲۶۰).

پیوند فضا و روابط قدرت را می‌توان در مفهوم قدرت مشرف بر حیات^۹ فوکو نیز دنبال کرد. او در این خصوص ضمن تشریح مفهوم انضباط بر تمایل سیستم کنترل اجتماعی به استفاده بهینه از فضا به منظور تربیت بدن‌ها و اذهان انسانی تکیه می‌کند. او از مفهوم مکانیسم فضایی در توضیح این پدیده استفاده می‌کند. مکانیسم فضایی شیوه‌های خاصی از سازماندهی فضایی است که طی فرایندهای تاریخی به دست معماران به تدریج تکوین یافته‌اند و طیف متنوعی از ابزارهای فضایی را برای جاده‌ی به بدن‌های انسانی، استقرار انضباط و درونی‌سازی کنترل اجتماعی توسعه داده‌اند (فوکو، نقل شده در دریفوس و رایینو، ۱۳۷۸: ۲۷۰). وی در آثار خود نشان می‌دهد که تکنولوژی‌های انضباطی چگونه با استخدام حرفه‌های تولیدگر فضا شیوه‌هایی هر چه صرفه‌جویانه‌تر، فنی‌تر، مشخص‌تر و کارا تر را برای سازماندهی اجتماع ایجاد کرده‌اند.

علاوه بر بحث تکنولوژی‌های انضباطی و مکانیسم‌های فضایی فوکو به الزامات عملکردی و فعالیت‌ها نیز اشاره دارد. از دید فوکو فضا با الزامات کارکردی قدرت مرتبط است. در نتیجه، آن چه مفهوم‌پردازی می‌شود، پیدایش مجموعه‌ی نوینی از اعمال و رویه‌های به‌طور خاص فضایی است که شدیداً به پرورش شهر و آن چه او حکومت‌مندی^{۱۰} می‌نامد پیوند می‌خورد (Zieleniec, 2007: 212). حکومت‌مندی به بیان ساده بیانگر بسط شگفت‌آور گستره عمل حکومت است که به باور او از میانه سده هیجدهم آغاز شد و تا به امروز به رشد خود ادامه داده است. این بسط، تمام آن فعالیت‌ها و سپهرهای کنش‌گری انسانی، چه به عنوان اشخاص منفرد و چه به‌طور جمعی را دربرمی‌گیرد که باید ساختاری، دستکاری یا کنترل شوند. بنابراین تجویز و تحدید فعالیت‌های مشخص سیاسی، اجتماعی، فراغتی و تفریحی و نیز تجویز و تحدید برخی گروه‌های اجتماعی نسبت به برخی دیگر، فضا را به عرصه‌ای بالقوه برای ستیز تبدیل می‌کند، عرصه‌ای که در آن ارزش‌های هنجارساز به واسطه منضبط‌سازی، نظم‌بخشی و تنظیم فضا دنبال می‌شود. شکل، ساختار و کارکرد عمیقاً در آن فضاها (عمومی) اجتماعی به هم پیوند می‌خورند که عرصه‌های روزمره و عامی را بازنمایی می‌کنند که در آن‌ها تولید فضا روابط قدرت را دربرمی‌گیرد؛ روابط قدرتی را که به‌طور مادی بر چشم‌انداز حکم می‌شوند اما در معرض ارزش‌ها، معانی و استفاده‌های متضاداند (Zieleniec, 2007: 115).

به‌طور مثال فوکو معتقد است که کارناوال‌ها در حقیقت

همان جشن‌هایی هستند که مردم در خلال آنها به قلمرو آرمان شهری آزادی، برابری و وفور نعمت وارد می‌شوند (به نقل از نولز ۱۳۹۱: ۱۰). جشن‌هایی که نیرویی رهایی بخش برای قشر یا تفکر سرکوب شده هستند. در چنین شرایطی است که به اعتقاد فوکو گرایان جشن‌ها همچون سوپاپ اطمینان و یا نوعی بیان کنترل شده عمل می‌کنند که با تمسخر قدرت مسلط تنها در جهت تحکیم آن بر می‌آیند (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۴: ۲۱۲). در چنین تجمع‌هایی، در توزیع و چیدمان‌شان، توزیع و آرایش فعالیت‌ها و افراد داخل و پیرامون معماری و محیط است که بُعد فضایی عملکرد قدرت، ملموس می‌شود. فضا از دید فوکو جایی است که گفتمان‌های قدرت و دانش، به جای آن که صرفاً در مفاهیم و ایدئولوژی‌های انتزاعی ساکن شوند به روابط بالفعل قدرت تبدیل می‌شوند.

بنابراین فوکو به آگاهی از نیاز به پرورش شیوه‌ها و وسایلی نوین برای فهم و در نتیجه کنترل و سازماندهی فضا و ملازم با آن، افراد و گروه‌هایی بود که در این فضا ساکن بودند، اشاره می‌کند و توصیف می‌کند که این اتفاق چگونه به شیوه‌هایی متفاوت حاصل شده. نخست این که انضباط‌بخشی از سازماندهی افراد در فضایی آغاز شد که تکنیک‌های چندی در آن به کار بسته می‌شدند. گاهی لازم بود تا فضا برای تصریح این که یک مکان، مکان یک شغل یا عملکرد خاص است محصور شود، برای مثال در پادگان‌ها، مدرسه، زندان یا کارخانه. فضا گاهی باید به منظور شناخت، تسلط و استفاده از آن تفکیک می‌شد. به‌طوری که هر فرد بتواند به مکانی اختصاص یابد و از مکانش درون نظم محصور نهاد یا سپهر انضباطی آگاهی یابد. همان‌طور که فوکو می‌گوید:

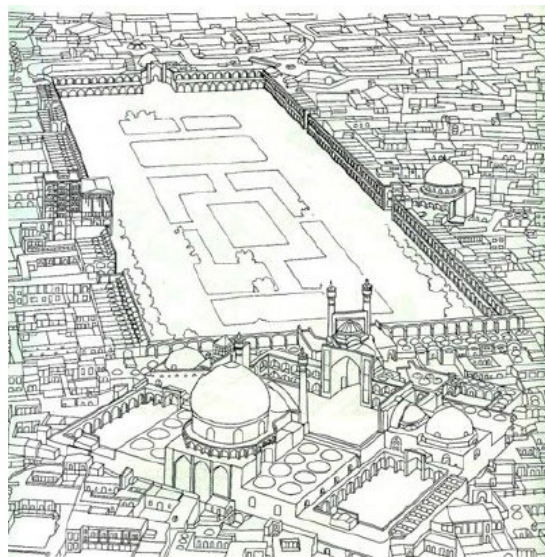
"فضای انضباطی گرایش به آن دارد تا به تعداد بخش‌هایی که برای توزیع بدن‌ها یا مولفه‌ها وجود دارد، تقسیم شود. باید آثار/پیامدهای غیردقیق توزیع‌ها، ناپیدایی کنترل‌نشده‌ی افراد، گردش پراکنده‌ی آن‌ها، و لختی استفاده‌ناپذیر و خطرناک‌شان را از بین برد؛ این نوعی رویه برای مقابله با فرار از کار، ضد ولگردی و ضد تمرکز بود. هدف این رویه، پایه‌ریزی حضور و غیاب بود، آگاهی از این که افراد کجا و چگونه [در فضا] مستقر شده‌اند، ایجاد ارتباط سودمند و ممانعت از سایر ارتباطات، فراهم کردن امکان نظارت بر رفتار هر یک از افراد در هر لحظه، ارزیابی رفتارها، قضاوت درباره‌ی این رفتارها و سنجش ویژگی‌ها و مزایای‌شان. در نتیجه، این رویه‌ای بود که به دنبال شناختن، مسلط شدن و استفاده کردن بود. (Foucault, 1980: 143)".

آنچه مشخص است نظریات اجتماعی درک بدیهی و خنثای فضا را به فضایی که تولید می‌شود، تغییر می‌دهند و بر نقش آن در ساخت و دگرگونی حیات اجتماعی و ماهیت عمیقاً مبتنی بر قدرت آن تأکید می‌نمایند. با توجه به آنچه در باب دیدگاه فوکو نسبت به رابطه فضا و قدرت شرح داده‌شد، می‌توان شیوه‌های

جدول شماره ۱: نظریات فضا-قدرت فوکو

هدف	ابزارهای معماری قابل استفاده	قالب	بسط شیوه	شیوه‌های اعمال قدرت در تولید فضا
درونی سازی کنترل اجتماعی	- هندسه - طبقه بندی و جداسازی افراد - تنظیم روشنایی - توزیع سطوح - محصورسازی - توزیع عملکردها	تامین رفاه و سلامت فرد و جامعه	توزیع بدن‌ها	تکنولوژی های انضباطی
			توزیع نگاه‌ها	
سبک تر کردن و کاراتر کردن اعمال قدرت			رؤیت پذیری	مکانیسم فضایی
			آرایش و سازماندهی فضا	
			توزیع و آرایش فعالیت‌ها در قالب فعالیت‌های جمعی	ساختارهایی یا کنترل فعالیت‌ها
کنترل و سازماندهی افراد				

شاه عباس پس از انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت، تلاش خود را برای عظمت و شکوه آن آغاز کرد. اگرچه به نظر می‌رسد که اندیشهٔ احداث میدان نقش جهان و عناصر شاخص اطرافش متأثر از نمونه‌های پیشین خود (میدان صاحب‌آباد تبریز، شاه قزوین و کهنهٔ اصفهان) بوده اما به لحاظ وسعت، شکوه ابنیه پیرامونی، حضور پررنگ بازار در تمامی اضلاع از یک سو (شکل ۲) و از طرفی به دلیل ارتباط قوی آن با استخوان بندی شهر قدیم و جدید اصفهان در زمان خود، می‌توان میدان نقش جهان را نمونهٔ تکامل یافتهٔ میدان شهری در ایران دانست. بنابر آنچه در چارچوب نظری مشخص شد، ویژگی‌های میدان نقش جهان در ادامه در دو قالب نظارت و کنترل بر ساختار کالبدی فضا و تعریف عملکردهای رسمی صریح یا غیر صریح برای این فضا مورد بررسی قرار می‌گیرد.



شکل شماره ۲: مجموعه نقش جهان در زمینه شهری
مأخذ: توسلی، ۱۳۷۱: ۲۷

نظارت و کنترل بر ساختار کالبدی فضا

در این بخش با تمرکز بر ویژگی‌های کالبدی میدان نقش جهان به آن شاخصه‌هایی پرداخته می‌شود که طبقه قدرت آشکارا به منظور افزایش قدرت حکومت مرکزی، کنترل و نظم‌دهی به شهروندان در این میدان از آنها بهره برده است. در این حوزه می‌توان به ویژگی‌های زیر اشاره نمود:

اصلي سيطرة قدرت بر فضا را اعمال مکانیسم‌های فضایی، تکنولوژی‌های انضباطی و کنترل فعالیت‌ها دانست. خلاصه‌ای از نظریات قدرت-فضای فوکو در جدول یک آورده شده است. در حقیقت اصحاب قدرت در این روش با استخدام حرفه‌های تولیدگر فضا شیوه‌هایی هرچه صرفه‌جویانه‌تر، فنی‌تر، نامشخص‌تر و کاراتر از اعمال زور را برای سازماندهی اجتماع از طریق فضا به کار می‌بندند. لذا در این شیوه طبقه حاکمه می‌تواند با اعمال نظارت مستقیم بر فرایند برنامه‌ریزی و طراحی فضا یعنی از طریق کنترل ویژگی‌های کالبدی فضا از یک سو و تعریف عملکردهای مناسب برای آن از سویی دیگر، از شیوه‌هایی پنهانی‌تر و در عین حال کاراتر برای دستیابی به اهدافی نظیر تاکید بر قدرت و هیبت، تغلب و برقراری نظم اجتماعی، کنترل مالکیت‌های اراضی، توزیع هدفمند طبقات اجتماعی، ارائه‌ی تصویری از کارایی و ... بهره جوید. اگرچه فوکو نظریات خود را بیشتر در مورد اروپای قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی مطرح می‌سازد لیکن به نظر می‌رسد ردپای ایده‌های او را می‌توان در ایران عصر صفوی نیز دنبال کرد.

میدان نقش جهان و تکنولوژی های فضایی قدرت

شاه عباس صفوی تحت شرایطی بر تخت نشست که توقع حکومتی بلندمدت برای وی امری بسیار بعید می‌نمود. در صحنه داخلی طی دوازده سال که از مرگ شاه طهماسب می‌گذشت، قدرت پادشاه به نحو چشم‌گیری کاهش یافته و اختلافات گسترده‌ای در داخل به وجود آمده بود (اسکندریک، ۱۳۷۸: ۱۱۰۰). از نظر سیاست خارجی نیز تقریباً تمام ایالات غربی و شمال غربی به اشغال عثمانیان درآمده بود و در شرق هم نیمی از ولایت خراسان مورد تاخت و تاز ازبکان بود (اسکندریک، ۱۳۷۸: ۱۱۰۰). گفتگو از مباحث عقیدتی دولت صفوی، از بحث این مقاله خارج است ولی مهم، تلاش برای کسب مشروعیت و اقتداری است که بنا بر دلایل گفته شده در زمان شاه عباس توسعه یافت. مشروعیت صفوی به یاری همان درک و شناخت عامه از حق عضو خاندان صفوی در به کارگیری اقتدار سیاسی، تا حد زیادی بر پایه ارتباطات عمومی مؤثر استوار بود (مکچسنی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). ارتباطات عمومی مؤثر به این معنا بود که حکومت پادشاهی بایست تعهدات خود در قبال احترام به آداب و سنن ایران باستان و آداب شیعی در زندگی مردم و شاه را دائماً تصدیق و اثبات می‌نمود.

عظمت در مقیاس: به نظر می‌رسد استفاده از فضاهای بزرگ مقیاس یکی از شیوه‌های بازتولید قدرت در این عصر بوده‌است. این شیوه از اعمال نفوذ در معماری سبقه طولانی دارد به طوری که هر زمان حکومتی سعی در انعکاس اقتدار کم‌نظیر خود داشته از این ابزار استفاده کرده‌است. به طور مثال می‌توان به بناهای عظیم و مرتفعی اشاره کرد که در عهد ایلخانان و تیموریان و برای نمایش قدرت و بزرگی حکومتی غیر ایرانی در ایران ساخته شده‌اند، اشاره کرد. ممکن است درک ابعاد نمایشی میدان نقش جهان، برای کاربران امروزی که نگاهشان با بناهایی در مقیاس فرانسوی انباشته شده است، آسان نباشد؛ اما می‌توانسته این وضعیت برای کاربران حاضر در قرن یازدهم (ه.ق.) متفاوت بوده‌باشد.

زمانی که در اشارات کاربران تاریخی این فضاها تدقیق شود، فهم این عظمت و تاثیر آن بر نظام ادراکی مخاطب خود، دشوار نخواهد بود. توصیفات تاریخی به جامانده از میدان نقش جهان با استفاده از واژگانی نظیر پهناور، بزرگ، وسیع و... عظمت و بزرگی مقیاس آن را که توجه هر بیننده را جلب می‌کرده، خاطر نشان می‌شوند (جنابادی، ۱۳۷۸: ۷۱۴؛ شاردن، ۱۳۷۵: ۱۴۰۰). به طور مثال اولاریوس اشاره می‌کند که میدان بزرگ تجارت و تفریح آنقدر بزرگ است که نظیر آن را در هیچ جا ندیدیم (۱۳۷۹: ۲۳۹). انتخاب این ابعاد نمایشی را می‌توان تدبیری در جهت افزایش شکوه و فرّ پادشاهی از یک سو و افزایش ابهت و قدرت سلطانی و در نتیجه افزایش مشروعیت و متعاقباً اقتدار حکومت مرکزی دانست. چنین نقش مهمی با در نظر گرفتن عملکردهای متنوع این فضای شهری نمود بیشتری پیدا خواهد کرد؛ زمانی که بدانیم به طور مثال میدان نقش جهان نه یک میدان شهری ساده بلکه میدانی است با سه کارکرد اصلی ملاقات مردم با شاه، استقبال از سفرا و حضور تجار جهانی مانند تجار پرتغالی، هندی، ارمنی، عربی، روسی و... اهمیت تاکید بر شکوه پادشاهی و هیبت سلطانی در این میدان مشخص خواهد شد.

هندسه منظم: استفاده از هندسه منظم در طراحی فضاهای شهری می‌تواند یکی از ابزارهای طراحان در تحت تاثیر قرار دادن مخاطب خود معرفی شود. هندسه منظم یادآور نظمی مسلط و اقتداری خدشه ناپذیر است. مثال‌های متعددی از چنین تفکری در طراحی وجود دارد مانند طرح نوسازی پاریس توسط بارون هوسمان و یا طرح اصلاحات رضاشاهی در اکثر شهرهای ایران. هندسه منظم میدان نقش جهان نیز می‌تواند برای مخاطب امروزی چندان مورد توجه نباشد؛ لیکن هندسه این میدان در عصری که به دلیل رشد و توسعه تدریجی شهرها، اغلب فضاهای شهری به خصوص در سرزمین‌های اسلامی از نظم ارگانیک تبعیت می‌کردند (Falahat, 2013: 123)، می‌توانسته مورد توجه قرار گیرد. به طوری که در استانبول حتی تا سال‌ها بعد، به جز حیات مساجد بزرگ و کویه‌ها هیچ فضای شهری دیگری از نظم هندسی برخوردار نبوده‌است (Cerasi, 2008: 465). چنین ساختاری تا حدی شاخص بوده که اغلب بازدیدکنندگان این

فضاها در توصیفات خود به آن اشاره کرده‌اند (به طور مثال جنابادی ۱۳۷۸: ۷۱۴؛ شاردن ۱۳۷۵: ۱۴۰۰؛ دلواله ۱۳۷۰: ۳۷). این هندسه قائم الارکان را می‌توان همچون عظمت مثال زدن میدان، در جهت نقش هندسه غیر ارگانیک در باشکوه‌تر جلوه کردن یک فضا در راستای افزایش فرّ پادشاهی و در نتیجه افزایش اقتدار حکومت مرکزی ترجمه کرد.



شکل شماره ۳: موقعیت کاخ توپکاپی (موقعیت دست‌نیافتنی) در شهر استانبول در سال ۹۴۴ هجری قمری؛ مأخذ: مطراقچی، ۱۳۷۹



شکل شماره ۴: سردر ورودی کاخ توپکاپی (فرم قلعه‌مانند)

افزایش کیفیت بصری مکان: شکوه و عظمت یک فضا تنها محاصل بزرگی مقیاس آن نخواهد بود بلکه به نظر می‌رسد که زیبایی و غنای بصری نیز شرط لازم برای افزایش این کیفیت در آن فضا است. اگر بیان قدرت را یکی از کارکردهای معماری به شمار آوریم، می‌تواند با استفاده از نمادگرایی در تزئینات، انتخاب موقعیت کالبدی بناها و نوعی صحنه پردازی معمارانه و گاه از طریق استفاده انسانی از فضا در خلال مراسم باشکوه مکان را در ناخودآگاه کاربران خود به تجسمی از قدرت بدل کند. در چنین شرایطی است که جداره‌های فضاهای شهری اصفهان اهمیتی بسیار پیدا می‌کند. به طوری که دلواله در توصیف این میدان می‌نویسد: "می‌توان از دو محل برد که به نظر من نه تنها نظیر آنها در قسطنطنیه نیست بلکه با بهترین آثار مسیحیت برابر و حتی بدون تردید بر آنها مزیت دارند. یکی از این دو محل میدان شاه است... دور تا دور این میدان را ساختمانهای مساوی و موزون و زیبا فرا گرفته که سلسله‌ی آنها در هیچ نقطه قطع نشده است. درها



شکل شماره ۵: موقعیت حاشیه‌ای قلعه سرخ آگرا بر روی تپه و در حاشیه رودخانه؛

مأخذ: Murray's Handbooks for Travellers, 1911



شکل شماره ۶: ورودی قلعه سرخ آگرا

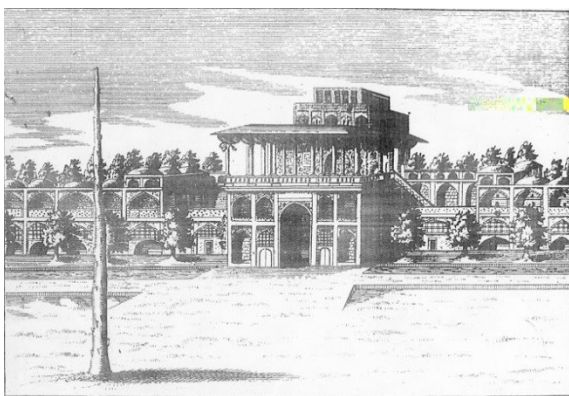
استفاده از نشانه‌های شاخص: "محل قابل توجه دیگری که در اصفهان دیدم اولین مدخل قصر شاهی است که شاه معمولاً سفرای خارجی و مهمانان را در آنجا می‌پذیرد و ضیافتها را در آن محل برپا می‌دارد... در داخل میدان و بالای اولین مدخل (که آن را محترم می‌شمارند و هیچکس پا روی آستانه چوبی آن که قدری بالاتر از سطح زمین است نمی‌گذارد و حتی در مواقع مخصوصی مانند اماکن مقدس آن را می‌بوسند) عمارت کوچکی است که ... مورد استفاده آن را ذکر کردم." (دلاواله، ۱۳۷۰: ۴۳)

برای انتخاب چنین محلی به عنوان محل استقرار شاه و برگزاری ضیافت‌های شاهانه می‌توان کارکردی دوگانه در نظر گرفت. اول، همانطور که فوکو در توصیف زندان سراسرین و تکنولوژی‌های انضباطی تاکید دارد، اینجا فضاهای شهری و مخاطبانش همواره تحت نظارت و کنترل مستقیم خواهند بود. چنین نظارتی علاوه بر تاثیر عینی خود مبنی بر کنترل کردارهای اجتماعی کاربران، نظام ادراکی آنها را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد. شاه به عنوان سایه خدا بر زمین ناظر بر کلیه اعمال و رفتار بندگان خود خواهد بود. لیکن کارکرد دیگر چنین موقعیت‌یابی را می‌توان در یکی

همه بزرگ و دکانها همسطح خیابان و پُرآمته هستند و بالای آنها ایوانها و پنجره‌ها و هزاران تزیینات مختلف، منظره‌ی زیبایی به وجود آورده است. این حفظ تناسب در معماری و ظرافت کار باعث تجلی بیشتر زیبایی میدان میشود و با وجودی که عمارتهای میدان ناوونا در رم بلندتر و غنیتر هستند، اگر جرأت این را داشته باشیم باید بگویم میدان شاه را به دلایل مختلفی بر آنها ترجیح میدهم." (۱۳۷۰: ۳۷)

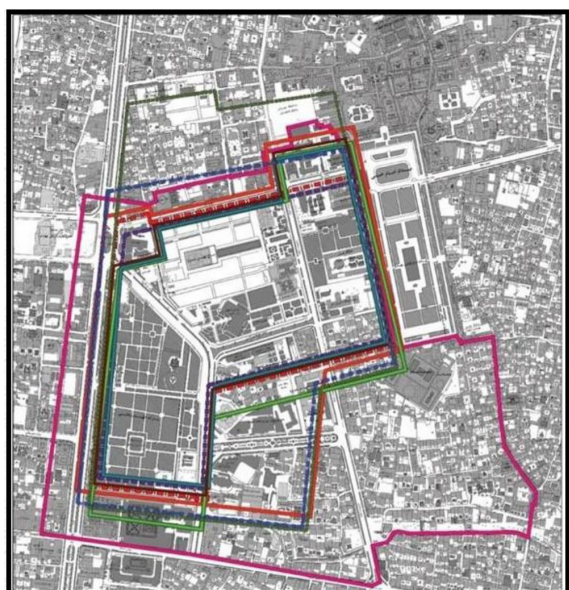
میدان نقش جهان با آنکه الگوی خود را از میدان کهنه اصفهان، میدان حسن پادشاه تبریز و میدان عالیقاپوی قزوین می‌گیرد ولی این الگوی کهن را نظمی منطقی می‌بخشد و با دقت به ترکیب و تنظیم هندسی عناصر پیرامونی آن می‌پردازد. در این میدان برای اولین بار معماری جداره، با تعریف پیرامون و محیط میدان که از ترکیب صفحه شکل گرفته و میدان را از فضاهای مجاور جدا می‌کند (نژادستاری، ۱۳۹۰: ۶۰)، در برابر معماری میانه میدان از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. این تناسب و هماهنگی جداره‌ها چنان مورد تاکید شاه عباس بوده که فیگورثا ذکر می‌کند: "به فرمان شاه در اطراف میدان، بناهای بزرگ نساخته‌اند تا تناسب این حجرات کوچک که همگی ارتفاع مساوی دارند بهم نخورد" (۱۳۶۳: ۲۱۲). چنین جداره‌سازی‌های نمایشی را می‌توان همچون دو ویژگی قبل در راستای افزایش شکوه و زیبایی پایتخت و در نتیجه افزایش هیبت و قدرت حکومت مرکزی توصیف کرد. به طوری که جنابادی اشاره می‌کند "چون این بلده طیبه معزز به دارالملک شاهنشاهی گردید، هر آینه استعداد آن را داشته باشد که محل قوایم سریر عرش نظیر خلافت گردد" (۱۳۷۸: ۷۵۹) زمانی که بدانیم اهمیت برقراری ارتباط با دول بیگانه تا چه حد برای شاه عباس زیاد بوده، چنین صحنه آرایی در راستای دیالوگی که این فضای شهری با مخاطبان خود که همانا سفرا، تجار خارجی و ملاقات کنندگان با شاه بوده‌اند، برقرار می‌کرده است، پر معنا خواهد بود. به طوری که دلاواله می‌نویسد: "شاه بسیار مشتاق است ... تا حد امکان با تعداد بیشتری از دول غرب رابطه برقرار سازد و با آنها به تجارت پردازد و به سکونت در خاک ایران تشویقشان کند." (۱۳۷۰: ۱۱۷)

همچنین دیالوگی که چنین نمایشی از جلال و شکوه با کاربران داخلی می‌توانسته برقرار سازد را می‌توان در قالب نمایش رونق و آبادانی معنا کرد. اگر چه مشروعیت، معطوف به مقوله‌ای ارزشی و هنجاری و کارآمدی معطوف به مقوله‌ای ابزاری است، ولی اگر جامعه‌ای، نسبت به کارآیی حکومت در سطوح مختلف احساس رضایت نماید بحران مشروعیت بوجود نخواهد آمد (رازی، ۱۳۷۴: ۱۸). در چنین شرایطی نمایش کارایی از طریق تلاش برای آبادان جلوه دادن شهرها، به خصوص پایتخت، می‌تواند در چارچوب افزایش مشروعیت و در نتیجه اقتدار حکومت مرکزی مورد بررسی قرار گیرد.



The Chief Gate of the Palace and Hall of Audience

شکل شماره ۷: کاخ عال قاپو، ورودی دولتخانه صفوی در میدان نقش جهان؛ مأخذ: سانسون، ۱۳۷۷



شکل شماره ۸: موقعیت دولتخانه صفوی در قلب شهر؛ مأخذ: براساس نقشه شهرداری اصفهان ۱۳۹۰

توجه به توزیع بناها: حکومت صفوی برای اثبات دائمی تعهدات خود از راه‌های متعدد از جمله اجرای اعمال نمادین استفاده می‌کرد. به همین دلیل نیز رحیمی در توصیف این حکومت از واژه دولت تناثری بهره می‌جوید و معتقد است وجه نمایشی دولت صفوی برای پیش‌برد اهداف مشروعیت‌طلبانه به قدری قوی است که کلیه شئون اجتماعی آن عصر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۲۰۱۱: ۲). بدین منظور فضاهای جمعی اصفهان که به عنوان صحنه‌های برپایی چنین نمایش‌های عظیمی در نظر گرفته شده بودند، الزامات کالبدی‌ای را می‌طلبیدند که فضا محیای توقف و تماشا گردد. در میدان نقش جهان نیز وجود درختان حاشیه میدان، ایوان رو به میدان کاخ شاهی^۳ و طاق‌نماهای طبقه دوم را می‌توان تمهیدات سازندگان میدان برای ایجاد چنین فضای نمایشی در نظر گرفت.

از سویی دیگر موقعیت کالبدی و نحوه چیدمان چهار عنصر شاخص مسجد جامع عباسی، سردر بازار شاهی، کاخ عالی قاپو و مسجد شیخ لطف الله، در اطراف میدان را می‌توان با توجه به مفهوم بازتولید قدرت در فضای شهری، بازخوانی کرد. نحوه

دیگر از ارکان قدرت صفویان یعنی نیابت امام زمان جستجو کرد. مشروعیت شاه عباس در گرو حفظ ارتباط تنگاتنگ با مظاهر دین بود. بدین شکل موقعیت کاخ شاهی در مقابل مسجد شیخ لطف الله و در موقعیتی فرعی تر نسبت به محور اصلی میدان، نمایشی است خود خواسته از موقعیت شاه صفوی در برابر دین. همچنین موقعیت کاخ شاهی در محل‌هایی که مکان آمد و شد روزانه مردم است، شاید در نگاه نخست نکته خاصی را به ذهن متبادر نسازد؛ لیکن در آن شرایط تاریخی، با پایان عصر زرین تمدن اسلامی و ضعیف شدن بازدارنده‌های دینی احتیاج به ابهت سلطانی بیشتر احساس می‌شد در حالیکه ویژگی‌های ناشایست فردی پادشاهان با کاستن از هیئت سلطانی سبب بی‌نظمی در جامعه می‌شد، متفکران اهل سنت ضرورت پرده نشینی و فاصله بین سلطان و رعایا را مطرح کردند (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۳۱۵). به همین دلیل در سایر سرزمین‌های اسلامی با مذهب رسمی سنی کاخ‌های شاهی با استفاده از ابزارهایی نظیر فاصله از شهر، حصارها، قلعه‌ها، دیوارهای تو در تو و ... به نمادی از دست‌نیافتنی بودن شاهان بدل می‌شدند. به طور مثال می‌توان به مقایسه موقعیت و طرح سردر ورودی کاخ توپکاپی^{۱۱} (محل اقامت سلاطین عثمانی) و قلعه قرمز آگرا^{۱۲} (محل اقامت شاهان گورکانی) و دولتخانه صفوی (در تصاویر ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸) پرداخت. اینکه چطور شاه عباس با پیوند حکومت خود با مفهوم امامت در مذهب تشیع و معرفی خود به عنوان نایب امام زمان می‌بایست برخلاف سایر حکومت‌های اسلامی نمایشی از نزدیکی، سخاوت و قابل دسترس بودن را برای مردم عادی اجرا می‌کرد. همانطور که در شرایطی که سلاطین عثمانی لقب "مروارید درون صدف" و شاهان گورکانی لقب "خورشید حقیقت" را یدک می‌کشیدند، شاه عباس خود را "کلب آستان علی" می‌نامید. لذا می‌توان تصور کرد که انتخاب چنین موقعیتی برای اقامتگاه‌های شاهی تا چه اندازه می‌توانسته در راستای تأمین اهداف مشروعیت طلبانه شاه عباس تعبیر شود.

توصیف شاردن از کاخ عالی قاپو به خوبی گویای ارتباط چنین موقعیتی یابی با نظام ادراکی مخاطبان است: "ایرانیان آستانه و در (کاخ شاهی) را جملگی مقدس می‌شمارند. در فاصله پنج یا شش قدم سمت داخل در گاه... دو تالار کوچک... است که به آنها کشیک‌خانه می‌گویند و محل اقامت قورچیان یا نگهبانان است. اما شخص شاه در ایران چندان محترم و مقدس است که نه تنها در تمام مدت روز هیچ نگهبان در کشیک‌خانه حضور ندارد بلکه شبها همچنان که در خانه خود آسوده می‌خوابند در آنجا با خیال راحت استراحت می‌کنند. حتی در تمام طول شب و روز در بزرگ باز است، و هر کس می‌تواند به دلخواه خود در آن در آید، یا بیرون شود... و هرگز هیچ اتفاق سویی رخ نمی‌دهد. این درگاه پناهگاهی مقدس و مصون از تعرض است، و جز شاه هیچکس نمی‌تواند کسانی را که بدین در پناه آورده‌اند و بست نشسته‌اند براند. همه ورشکستگان و تبهکاران تا زمانی که رسیدگی به کارشان پایان نیافته بدین درگاه پناه می‌جویند." (۱۳۷۵، ج ۴: ۱۴۴۵)

دهد. همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، تلاش برای افزایش هیبت سلطانی یکی از ویژگی‌های مشترک سلطنت شیعی و سنی است. زیرا در شرایطی که در اندیشه ایرانی‌شهری مفهوم فرّ یا انسان-خدا بودن سلطان مطرح می‌شود و از این رو پادشاه مبنای ایزدی داشته و خرمی و تباهی روزگار به اراده و نیت او صورت می‌گرفته است، مسلمان کمتر می‌توانستند از مفهوم فرّ ایزدی استفاده کنند. اگرچه متفکران مسلمانان از این مفاهیم فاصله گرفتند اما نمی‌توانستند لزوم وجود سلطانی شوکت‌مند را منکر شوند. بنابراین سلاطین سعی کردند که در حفظ هیبت و حیثیت خویش مبالغه کنند. آخرین و شاید مهمترین زمینه هیبت سلطانی زور و اقتداری است که همواره می‌بایست از آن مراقبت می‌شد. یکی از راه‌حل‌های افزایش اقتدار حکومت مرکزی برای صفویان را می‌توان در نمایش عظمت و شکوه دربار و هیبت سلطانی، جستجو کرد. به نظر می‌رسد ورود سفرا به شهر، به حضور رسیدن آنها و تحویل هدایایشان به شاه، یکی از فرصت‌های مناسب برای نمایش چنین عظمتی بوده است. به طوری که دلاواله می‌نویسد: "او (شاه) به منظور نشان دادن عظمت دربارش مایل است ورود سفرای خارجی و سایر تشریفات را به مهمان‌ها (اتباع خارجی که در اصفهان ساکن بوده‌اند) نشان دهد." (۱۳۷۰: ۳۵) و در جایی دیگر می‌نویسد: "این هدایا (هدایای سفرا و میهمانان) مورد درخواست پادشاهان ایران است زیرا آنان می‌خواهند به این نحو عظمت خود را نشان دهند... این رسم به اندازه‌ای اهمیت دارد که وقتی پادشاهی پیشکشی دریافت می‌کند سعی می‌کند آن را به معرض تماشای عموم بگذارد." (۱۳۷۰: ۲۳۱)

یکی دیگر از مراسم قابل توجهی که در این میدان برگزار می‌شده بازی چوگان است. چوگان، بازی شاهان است که به گواه تاریخ ریشه‌ای ایرانی دارد. در رساله پهلوی کارنامه اردشیر بابکان آمده که اردشیر و پسرش شاپور در چوگان سرآمد بوده‌اند (به نقل از متینی ۱۳۷۷: ۱۹۱). در سایر منابع تاریخی^{۱۵} و شاهنامه نیز به کرات از این بازی یاد شده است. اگرچه این بازی پس از اسلام نیز میان ایرانیان و اعراب انجام می‌شده و در بسیاری از متون ادبی به آن اشاره شده است^{۱۶}، لیکن در عهد صفوی است که چوگان مجدداً رواج پیدا می‌کند و بعضی سیاحان آن زمان مثل شاردن آن را وصف کرده (۱۳۷۵، ج ۲: ۷۸۳) و حتی اشاره می‌کند که این بازی را ایرانیان از نیاکان پارتی خود به یادگار دارند (۱۳۷۵، ج ۴: ۱۴۲۵). به نظر می‌رسد برپایی متناوب چنین نمایش عظیمی از یک بازی شاهانه که اسامی بزرگانی چون سیاوش و اردشیر را یدک می‌کشد، آن هم در میدان عمومی شهر که محل به حضور پذیرفتن سفرا و نمایندگان کشورهای خارجی نیز هست، می‌تواند در پس اهداف مشروعیت طلبانه شاه عباس جستجو شود. تلاش شاهان صفوی برای اثبات وجود فرّ پادشاهی در خود از طریق یادآوری وجود خون سلطنتی در رگ‌های شاه اسماعیل از طریق انتساب خود به یزدگرد سوم^{۱۷} و پادشاهان یونانی^{۱۸} (Newman, 2009: 11)، را می‌توان در راستای توجیه

قرارگیری و شاخص‌سازی این چهار بنا به گونه‌ایست که نظام ادراکی مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. در این شکل از ساختار سعی شده تا همه مبانی مشروعیت صفویه تجسم کالبدی و عینی پیدا کنند. کاخ شاهی نمایش‌دهنده حق پادشاهی، مسجد شاه که در این دوران به مهمترین مرکز دینی شهر بدل شده بوده به عنوان نشانه‌ای از حکومت نایب امام زمان، بازار به نمایندگی از رفاه و امنیت اقتصادی در ایران و کارایی حکومت و مسجد شیخ لطف الله تجلی عینی رابطه حیاتی حکومت صفوی با علما.

توجه به الزامات عملکردی

فوکو معتقد است که نمی‌توان تصور کرد که افراد، پذیرندگان منفعل فضاها هستند. بنابراین کالبد نمی‌تواند صد درصد رفتار را تعیین کند. در حقیقت فضا و رفتار بر همدیگر تأثیر و تأثر دارند و یکدیگر را کامل می‌سازند (۱۹۸۶). به نظر می‌رسد تعریف عملکردهای مناسب و برنامه‌ریزی برای آنها نیز یکی دیگر از تکنولوژی‌های فضایی و حوزه‌های نفوذ قدرت می‌تواند باشد. قدرتی که نه به شیوه عینی کيفر و پاداش بلکه به شیوه ذهنی اقتناع و شرطی کردن در فضا نفوذ کرده و سعی در بازتولید خود دارد. در این شیوه طبقه قدرت می‌تواند از طریق تعریف مجموعه‌ای از الزامات عملکردی برای طراحان، به شکل مستقیم بر تجربه کاربران اثر گذاشته و با تأثیر غیر مستقیم بر فضای ذهنی آنها به تولید قدرت و بازتولید اقتدار حکومت مرکزی دست یابد. این الزامات عملکردی از یک سو می‌تواند استقرار نظم و کنترل اجتماعی را به دنبال داشته باشند و از سوی دیگر با تحت تأثیر قرار دادن نظام ادراکی مخاطبان خود به طور مثال منجر به افزایش هویت جمعی و یا نمایش هیبت و اقتدار حکومت مرکزی گردد. برخی از این الزامات عملکردی که در میدان نقش جهان به کار گرفته شده‌اند در ادامه تشریح می‌گردند.

برگزاری رویدادهای رسمی: یکی از شیوه‌های بازتولید اقتدار حکومت مرکزی از طریق الزامات عملکردی را می‌توان برگزاری رویدادهای رسمی عمومی و ملی در فضاهای شهری دانست. بررسی معنایی میدان نقش جهان بدون توجه به دیالوگی که مخاطب عصر عباسی با این فضای شهری برقرار می‌کرده، کامل به نظر نمی‌رسد. در حقیقت معنای فضاها بیرون از کاربران باقی نمی‌ماند بلکه حوزه تماس کاربر و فضا، غنی و تولیدکننده معنایی است و در فرایند تعاملی تولید معنایی که در این منطقه اتفاق می‌افتد، کاربر حدودی از معنایی و ارزش‌های آن را درونی می‌کند. این درونیات سپس به بخشی از عکس‌العمل‌های بعدی کاربر بدل می‌گردد و به این صورت معنایی حاصل از فضا را دوباره شکل می‌دهد^{۱۹}. بدین شکل به نظر می‌رسد برگزاری مراسم حکومتی نظیر استقبال از سفرا، بدرقه و استقبال از شاه و تمرین‌های نظامی در این میدان می‌توانسته مفاهیم ذهنی مخاطبان صفوی را تحت تأثیر قرار داده و معنایی دوباره بیخشد.

در این شرایط قلمداد کردن میدان نقش جهان به عنوان مکانی صرفاً تجاری، جمعی و تفریحی می‌تواند فهم ناقصی از آن ارائه

مشروعیت سیاسی حکومت‌شان معنا کرد. بدین منظور است که پادشاهان صفوی به خصوص شاه عباس، بقا و استمرار آیین‌های پادشاهی ایران باستان را برای تاکید بر جانشینی آن پادشاهان در دستور کار خود قرار دادند.^{۱۹}

برگزاری جشن‌ها و کارناوال‌ها: گزارش‌های متعدد مبنی بر برگزاری جشن‌ها و کارناوال‌هایی در عصر صفوی در فضاهای اصلی شهر وجود دارند که نمونه‌ای از شاخص‌ترین آنها را می‌توان جشن‌های آبریزان، شاطر و گل دانست (شاردن ۱۳۷۵: ۱۹۶؛ فیگوئرا ۱۳۶۳: ۳۴۵-۳۴۷؛ دلاواله ۱۳۷۰: ۸۷؛ منجم یزدی ۱۳۶۶: ۱۹۲).^{۲۰} در مورد کارناوال‌ها^{۲۱} و نقش سیاسی آنها در دو دهه اخیر تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. می‌توان گفت دو رویکرد عمده نسبت به رابطه قدرت-سیاست و کارناوال وجود دارد. گروهی آن را فضای آزادی و طغیان مخالفان، علیه نظام‌های سیاسی و یا اجتماعی حاکم می‌دانند و گروهی برعکس آن را فضایی تحت کنترل تفکر حاکم برای تخلیه هیجانات تفکر سرکوب شده می‌دانند.

با توجه به آنچه گفته شد و با در نظر گرفتن این مساله که کلیه این جشن‌ها در زمان اقامت شاه در اصفهان، در حضور وی و کلیه بزرگان دربار و حتی سفرا و میهمانان خارجی برگزار می‌شده است (فیگوئرا ۱۳۶۳: ۳۴۶)، به نظر می‌رسد که این کارناوال‌ها همان تصویر برنامه‌ریزی شده آرمان‌شهری آزاد به همراه برابری و عدالت باشند. همانطور که عدالت را یکی از اصول دستیابی به آرمان‌شهرها می‌دانند (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۷: ۵ و محمودی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰). توضیحات دقیق شاردن از جشن شاطر نشان‌دهنده نظم و سازماندهی دقیقی است که در پس ظاهر مغشوش و نامنظم چنین کارناوالی وجود دارد (۱۳۷۵: ۱۹۶-۱۹۷). لذا می‌توان ادعا کرد که برگزاری تعمدی چنین مراسمی با نفوذ به حوزه‌ی فضای زیسته در تلاش برای کنترل پنهانی اعتراضات طبقه‌ی سرکوب‌شده، شکل گرفته‌است. رحیمی به تفصیل در باب چنین تفکرات معترضی در دوره صفویه سخن گفته و البته رشد کمی گسترده قهوه‌خانه‌ها را در این دوران به عنوان گونه جدیدی از فضای اجتماعی در واکنش به چنین اعتراضاتی می‌داند (۲۰۱۱).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که با توجه به اهمیت تحلیل‌های محتوایی فضا در علوم معماری و شهرسازی و همچنین اهمیت درک و نقد چگونگی جاری شدن قدرت‌های سیاسی در یک فضا، تلاش برای برقراری پیوند میان عمل و نظر در این حوزه ضروری به نظر می‌رسد. بدین معنا که چگونه معماران و شهرسازان می‌توانند با استفاده از چارچوب‌های نظری موجود در حوزه فضا و قدرت به بررسی و تحلیل شیوه‌های نفوذ و کنترل طبقه قدرت در یک فضای به خصوص بپردازند. در این راستا پژوهش حاضر سعی کرد تا با استخراج چارچوب مفهومی آرای فوکو در این حوزه

به ساختاری مدون برای جهت دادن به تحلیل‌های محتوایی میدان نقش جهان از منظر قدرت، دست یابد.

همانطور که اشاره شد، بررسی و تحلیل میدان نقش جهان از دریچه‌ی یافته‌های نظری پژوهش صورت گرفت. بدین شکل که قدرت حاکمه چگونه و برای دست‌یابی به چه اهدافی اقدام به دخل و تصرف در فضا و ایجاد چنین میدانی در شهر کرده‌است. لذا داده‌های تاریخی از منظر به کارگیری استراتژی‌های فضایی قدرت مورد بررسی قرار گرفتند. بدین معنا که با تمرکز بر ویژگی‌های کالبدی فضاهای شهری، آن شاخصه‌هایی یافت شد که طبقه قدرت آشکارا به منظور افزایش قدرت حکومت مرکزی، کنترل و نظم‌دهی به شهروندان در این فضای به خصوص از آنها بهره برده است. در این حوزه می‌توان ویژگی‌های عظمت در مقیاس، استفاده از هندسه منظم، افزایش کیفیت بصری مکان، استفاده از نشانه‌های شاخص و توجه به ابنیه پیرامونی و ارتباط ریزفضاها و ساختمان‌ها با یکدیگر را از جنس مکانیسم‌های فضایی قدرت در این میدان دانست.

در بخش دوم از استراتژی‌های فضایی آن دسته از الزامات عملکردی شفاف که طبقه قدرت توانسته از طریق تعریف صریح آنها برای طراحان، به شکل مستقیم بر تجربه زیسته کاربران اثر گذاشته و با تاثیر غیر مستقیم بر فضای ذهنی آنها به تولید قدرت و بازتولید اقتدار حکومت مرکزی دست یابد، مورد بررسی قرار گرفتند. این الزامات عملکردی از یک سو استقرار نظم و کنترل اجتماعی را به دنبال داشتند و از سوی دیگر با تحت تاثیر قرار دادن نظام ادراکی مخاطبان خود به طور مثال منجر به افزایش هیبت و اقتدار حکومت مرکزی شده بودند. از این دست عملکردها برگزاری برخی از رویدادهای رسمی و برگزاری مراسم استقبال از شاه، سفرا و سایر میهمانان، مورد بررسی قرار گرفتند.

در انتها می‌توان گفت که از تحلیل تاریخی مداخلات و نفوذ قدرت در فضای شهری مورد نظر بر اساس چارچوب نظری اتخاذ شده، نتایج زیر حاصل گشت. میدان نقش جهان در عصر عباسی تحت تاثیر ضرورت سیاسی مشروعیت‌یابی، در خدمت پروژه دولتی قرار گرفته و با سازوکاری پنهانی به پشتیبانی از حفظ مشروعیت خاندان صفوی و در نتیجه افزایش اقتدار امپراطوری شیعی-ایرانی صفویه منجر شده‌است. به طوری که این فضا جهت نمایش اقتدار شاهانه در خلال مناسکی باشکوه و تبدیل مکان به تجسمی از اقتدار سیاسی حکومت صفوی در ناخودآگاه ساکنان شهر، نسبت به نمونه‌های پیشین خود تغییراتی بنیادین یافته‌است. به علاوه این میدان، از طریق نحوه انتخاب و چیدمان ابنیه شکل‌دهنده به جداره‌ها و طراحی نوعی صحنه‌پردازی، مکان‌ها را در حضور ناخودآگاه کاربرانشان به تجسمی از قدرت بدل می‌سازد. آنچه در جدول یک آمده را می‌توان خلاصه‌ای از آزمون چارچوب پیشنهادی این پژوهش بر روی این میدان در عصر عباسی دانست.

جدول شماره ۲: مکانیسم‌های فضایی قدرت در میدان نقش جهان

شیوه‌های نفوذ قدرت در فضا	توضیح شیوه	نحوه اثرگذاری بر تولید و بازتولید قدرت	مثال بر اساس نمونه موردی
استفاده از مکانیسم‌های فضایی	از طریق نظارت و کنترل بر ساختار کالبدی فضا	بازتولید قدرت از طریق تاثیر بر نظام ادراکی مخاطب (در جهت افزایش مشروعیت حکومت مرکزی)	-مقیاس، هندسه و طراحی جداره‌ها -ایه‌ی پیرامونی به عنوان ارکان مشروعیت‌ساز حکومت -موقعیت کاخ شاهی به عنوان نایب امام زمان
استفاده از تکنولوژی‌های انضباطی	از طریق توزیع نگاه‌ها و القای حس رویت‌پذیری	تولید قدرت از طریق افزایش نظارت و کنترل بر جامعه	موقعیت مقر شاه در میدان با تاکید بر نظارت و کنترل دائمی
ساختاریابی و کنترل فعالیت‌ها	از طریق تعریف مجموعه‌ای از الزامات عملکردی برای کاربران	بازتولید قدرت از طریق نمایش هیبت و اقتدار حکومت مرکزی	برگزاری مراسم چون استقبال از سفرا و پادشاه
		تولید قدرت از طریق افزایش نظارت و کنترل بر جامعه	تعریف یکپارچه و قابل کنترل مراکز قدرت چون محل دولتیخانه، مسجد جامع و بازار بزرگ
		بازتولید قدرت از طریق تجمعاتی که همچون سوپاپ اطمینان و یا نوعی بیان کنترل شده عمل کرده و با تمسخر قدرت مسلط تنها در جهت تحکیم آن بر می‌آیند	-برگزاری مراسم چون جشن شاطر -برگزاری مراسم چون چراغانی، آذین‌بندی و آتش‌بازی

پی‌نوشت‌ها

1. Michel Foucault
2. Spatial Mechanisms
3. Michel Foucault
4. Michel De certeau
5. Disposition
6. Panopticon: طراحی از جر می بنتام (Jeremy Bentham) به منظور ساخت زندانی ایده آل (۱۷۸۷م).
7. Art of Distributions
8. Discipline
9. Biopower
10. Governmentality
11. Topkapı Sarayı
12. Red Agra Fort

۱۳. اگرچه در زمان شاه عباس اول ایوان کاخ عالی‌قاپو در وضعیت فعلی خود نبوده‌است و در دوره‌های بعدی تکمیل گشته‌است، لیکن در زمان شاه عباس اول نیز عمارت سردر دولتیخانه صفوی برای برگزاری ضیافت، پذیرایی از میهمانان و تماشای مراسم جاری در میدان به کار برده می‌شده است (دلاواله، ۱۳۷۰: ۴۳).

۱۴. صاحب‌نظران بسیاری درباره‌ی تعامل بین آیینهای جمعی و شهر به ویژه شهرهای تاریخی مطالعه کرده‌اند برای اطلاع از برخی از این دیدگاهها رجوع کنید به (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۷-۵۲).

۱۵. از قدیمیترین کتبی که به این بازی پرداخته است، میتوان به کارنامه اردشیر بابکان، شاهنامه فردوسی، تاریخ طبری، رساله پهلوی خسرو و ریدک، آیین‌الضرب بالصوالجه للفرس، قابوسنامه و آداب‌الحرب و الشجاعة و الاوامر العلیه فی الامور العلیه (تاریخ ابن بی‌بی) اشاره کرد.

۱۶. به طور مثال در مبارزه افراسیاب و سیاوش و در قسمت بخش کردن خسرو پادشاهی خود را ولشکر فرستادن به مرزهای ایران

۱۷. از طریق ازدواج دختر یزدگرد سوم با امام حسین

۱۸. مادر بزرگ مادری شاه اسماعیل (دسپینا) دختر جان چهارم پادشاه بیزانسی تریزون (Byzantine John IV of Trebizond) بود.

۱۹. به طور مثال شاه اسماعیل در دیوان شعرش خود را احیاکننده دلاوران گذشته فرهنگی ایران می‌داند و نیز برای تاکید بر جایگاه برحق صفویان در سلسله پادشاهان ایرانی، دستور به تهیه یکی از ممتازترین نسخ خطی از شاهنامه فردوسی می‌دهد. همچنین در این راستا می‌بینیم که

مورخی چون جنابادی در توصیف قدرت شاه عباس تعدماً وی را با شاهان ایران باستان چون فریدون و خسرو پرویز مقایسه می‌کند (۱۳۷۸: ۷۵۹).

۲۰. شاردن جشن شاطر در میدان نقش جهان را چنین توصیف می‌کند "میدان شاه خلوت و تمیز و بمانند تالار بال بود. در جلو عالی قاپو، چادری برافراشته بودند که به درازای هشتاد و به پهنای سی پا و به بلندی متناسب با این عرض و طول بود" چنان که شاردن می‌گوید در درون میدان فیل و حیوانات وحشی دیگر در قسمت جنوب آن جا داده می‌شوند و ... قسمت شمالی نیز دارای دسته‌های تفریحی و نمایش بود: از قبیل گروهان رقاصه‌ها، و گروهان شاطران، که آماده رقص بودند؛ هیأت‌های معرکه گیر با صد گونه شعبده و شیادی؛ حقه بازان، شمشیریازان، خیمه شب بازان، و فواصل تمام این دسته‌ها با گروهان موسیقی آراسته بود. ... از هندیان که تعدادشان دو یا سه هزار نفر می‌شد در یک قسمت از میدان استقرار یافته بودند. طبقه ارمانه بهمین شماره در یک قسمت دیگر. آتش پرستان در بخشی، یهودیان در بخش دیگر " بنا به گفته شاردن بزرگان نیز همگی در مراسم مزبور حاضرند (۱۳۷۵: ۱۹۶-۱۹۷)

۲۱. اگرچه ممکن است واژه کارناوال، مفهومی مصطلح در تاریخ ایران نباشد، لیکن برخی از جشن‌های دوره صفوی همچون آبریزان و گل با اغلب مولفه‌هایی که برای کارناوال‌ها برشمرده می‌شوند، هماهنگ هستند. به طوری که دلاواله در مورد جشن گل چنین توضیح می‌دهد "مراسمی است که در فصل گل در بهار اجرا می‌شود و تا موقعی که گل سرخ وجود دارد به طول می‌انجامد. این مراسم که جشن گل سرخ خوانده می‌شود عبارت است از رقص و آوازهای نامانوس شبانه روزی در اماکن عمومی ... و بهمرفته این مراسم را می‌توان به کارناوال تشبیه کرد..." (۱۳۷۰: ۸۷) (برای مطالعه بیشتر در مورد مولفه‌های کارناوال ر.ج. کنید (دانشگر، آذر ۱۳۹۵) بررسی مؤلفه‌های کارناوال باختمین در شعر حافظ، مجله تخصصی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۰: ۱۷۳-۱۹۵)

فهرست منابع و مراجع

۲۲. منجم یزدی، ملاجلال‌الدین محمد (۱۳۶۶)، **تاریخ عباسی** (روزنامه ملاجلال)، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، چاپ اول، انتشارات وحید، تهران.
۲۳. نژادستاری، سعیده (۱۳۹۰)، «نقش میدان‌های شهری و بررسی عواقب ناشی از تنزل جایگاه آن در شهرهای امروز با تاکید بر شهرهای ایران»، **مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال اول، شماره سوم.
۲۴. نولز، رونلد (۱۳۹۱)، **شکسپیر و کارناوال پس از باختین**، ترجمه رویا پورآذر، چاپ اول، انتشارات هرمس، تهران.
۲۵. یوسفی، یوسف؛ آزاد، میترا و سلطانی محمدی، مهدی (۱۳۹۶)، «مطالعه‌ی چگونگی ارتباط مراسم آیینی عزاداری ایام محرم و شهر ناین»، **مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال هشتم، شماره ۲۹.
26. Alemi, Mahvash, (2007), "Princley Safavid Gardens, Stage for Rituals of Imperial Display and Political Legitimacy" in Michel Conan (Ed.), Middle East Garden Transitions: Unity and Diversity: Questions, Methods and Resources in a Multi-Cultural Perspective, Harvard University Press.
27. Babaie, Sussan. (2008). *Isfahan and its Palaces: Statecraft, Shi'ism and the Architecture of Conviviality in Early Modern Iran*, Edinburgh University Press, Edinburgh.
28. Cerasi, Maurice (2008), "Istanbul 1620-1750 change and Tradition", in *The City in Islamic World*, Eds. Salma Khadra Jayyusi and others, Brill Online Books and Journals..
29. Evans, Robin (1971), "Bentham's Panopticon: An Incident in the Social History of Architecture", *Architectural Association quarterly*, volume 3, issue 2.
30. Falahat, Somayeh. & Shirazi, M. Reza (2012), "New Urban Development in Safavid Isfahan Continuity or Disjunction", *Planning Perspectives*, Vol.27, No. 4.
31. Falahat, Somayeh. (2013), *Re-imagining the City: A New Conceptualisation of the Urban Logic of the Islamic City*, Springer Vieweg, Wiesbaden.
32. Fokdol, Josefina (2008) *Power and Space: Appropriation of Space in Social Housing in Copenhagen*, LIT Verlag Münster, Copenhagen.
33. Foucault, M (1986) *Space, Knowledge and Power*, in the *Foucault's Reader*, Rabinow, P. (ed.), Penguin, Harmondsworth.
34. Foucault, M. (1980), *Power/Knowledge*. ed. BY C.Gordon, Pantheon, New York.
35. Newman, Andrew j. (2009). *Safavid Iran: Rebirth of a Persian Empire*, I.B. Tauris, New York.
36. Rahimi, Babak (2011). *Theater State and the Formation of Early Modern Public Sphere in Iran: Studies on Safavid Muharram Rituals*, Brill, Leiden.
37. Rinaldo, R.(2002) "Space of Resistance: the Puerto Rican Cultural Center and Humboldt Park", *Cultural Critique*, vol. 50.
38. Rizvi, Kishwar (2010), *The Safavid Dynastic Shrine (Architecture, Religion, and Power in Early Modern Iran)* I.B.Tauris & coltd, London.
39. Walcher, Heidi A. (1998), "Between Paradise and Political Capital: The Semiotics of Safavid Isfahan", *Middle Eastern Natural Environment, Lessons and Legacies*, Bulletin 103.
40. Zieleniec, Andrzej (2007), *Space and Social Theory*, Sage, UK.
۱. اسکندریک ترکمان منشی (۱۳۷۸)، **عالم آرای عباسی**، به اهتمام ایرج افشار، امیرکبیر، تهران.
۲. اولتاریوس، آدام (۱۳۷۹)، **سفرنامه آدام اولتاریوس** (اصفهان خونین شیخ صفی)، ترجمه حسین کردبچه، انتشارات هیرمند، تهران.
۳. توسلی، محمود (۱۳۶۹)، **شهر در سرزمین های دوره اسلامی**. هفتاد مقاله، ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، به کوشش یحیی مهدوی و ایرج افشار، نشر اساطیر، تهران.
۴. جنابادی، میرزا بیگ بن الحسن الحسینی (۱۳۷۸)، **روضه الصفویه**، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۵. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۷)، **از شار تا شهر**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۶. حقیقی، سمر و دیگران (۱۳۹۶)، «مداخلات طبقه قدرت و تاثیر آن در ساختار شهر اصفهان»، **تحقیقات تاریخ اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، سال هفتم، شماره دوم.
۷. دریفوس، هیوبرت و راینو، پل (۱۳۷۸)، **میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک**، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، تهران.
۸. دلاواله، پیتر (۱۳۷۰)، **سفرنامه**، ترجمه شجاع‌الدین شفا، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۹. رازی، حسین (۱۳۷۴)، «مشروعیت، دین و ناسیونالیسم در خاورمیانه»، ترجمه حسین حجاریان، **مجله فرهنگ توسعه**، سال چهارم، ش ۱۸.
۱۰. سانسون (۱۳۷۷)، **سفرنامه سانسون: وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی**، ترجمه محمد مهربار، نشر گل‌ها، اصفهان.
۱۱. سالدن، امان و ویدوسون، پیتر (۱۳۸۴)، **راهنمای نظریه ادبی معاصر**، ترجمه‌ی عباس مخبر، چاپ سوم، انتشارات طرح نو، تهران.
۱۲. شاردن، ژان (۱۳۷۵)، **سفرنامه**، ترجمه اقبال یغمایی، انتشارات توس، تهران.
۱۳. طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۰)، **دیباچه ای بر نظریه انحطاط ایران** (تاملی درباره ایران، جلد اول)، انتشارات نگاه معاصر، تهران.
۱۴. عزیز، محمد مهدی؛ زبردست، اسفندیار؛ اکبری، رضا (۱۳۹۷)، «واکاوی تبلور عدالت محیطی در اندیشه آرمانشهری اسلامی جهت کاربست در شهرسازی اسلامی»، **مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۴.
۱۵. فوکو، میشل (۱۳۷۸)، **مراقبت و تنبیه: تولد زندان**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننده. نشر نی، تهران.
۱۶. فوکو، میشل (۱۳۸۹)، **تئاتر فلسفه: گزیده‌ای از درس گفتارها، کوانوشته‌ها، گفتگوها و...**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننده، نشر نی، تهران.
۱۷. فیگوترا، دن گارسیا دسیلوا. (۱۳۶۳)، **سفرنامه فیگوترا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول**، ترجمه غلامرضا سمیعی، نشر نو، تهران.
۱۸. کلاتری خلیل آباد، حسین؛ صالحی، سید احمد؛ رستمی، قهرمان (۱۳۸۹)، «نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی» (مطالعه موردی شهر اصفهان)، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال اول، شماره اول.
۱۹. محمودی، سمیرا و دیگران (۱۳۹۷)، «چیستی آرمانشهر شیعی در آرای ملاصدرا و آیت‌الله جوادی آملی»، **مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال هشتم، شماره ۳۲.
۲۰. مطراچی، نضوح (۱۳۷۹)، **بیان منازل در سفر عراقین**، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۲۱. مکجسنی، رابرت د. (۱۳۸۶) «وقف و سیاست ملی در دوره صفویه ۱۰۲۳-۱۰۱۱ ق - ۱۶۱۴-۱۶۰۲ م.» ترجمه گیتی عمادزاده، **وقف میراث جاوید**، شماره ۵۷.

Reading Spaces Based on Foucault's Theory of Power-Space (Case Study of Naghsh e Jahan Square in Safavid Era)

Samar Haghghi Boroojeni *(Corresponding Author)

Assistant Professor of Architecture Department, Faculty of Engineering, Isfahan (Khorasgan) Branch,
Islamic Azad University, Isfahan, Iran

* haghghi.samar@khuisf.ac.ir

Sayed Abbas Yazdanfar

Associate Professor in Architecture Department, Faculty of Architecture and Urban Design,
Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Mostafa Behzadfar

Professor in Urban Design Department, Faculty of Architecture and Urban Design,
Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Abstract:

Space is a multi-dimensional concept that is at once economic, political, semiotic and experiential, and in this sense it is an integral component of social interaction and an indispensable vector for critical theories. After 1980's knowledge of space has become critical to understanding the production and transformation of power relations, and in this regard the built environment is an important concept for any endeavor in social analysis. This paper explores the possibilities for development of social theories of space-power based on the theories of Michel Foucault, coupled with methods of content analysis of urban spaces. The aim of this article is to explore how political power is constructed in urban spaces, and how these construction processes might be conceptualised and analysed. The paper begins by exploring the Foucault theories of power-space to analyse and interpret the relationship between urban space and political power: how political powers implement to shape urban spaces, and improve their authority and legitimacy through spaces, in turn. These strategies can be defined in spatial technologies through founding of spatial structural and functional principles. Grounded on this analytical and interpretative study of Foucault theories of space and power relations, this paper seeks to demonstrate a conceptual framework which can be adapted to urban spaces content analyzing. The achievement of this research is to develop an appendant analysing method to elaborate a tool for the meaning analysis of spaces in architecture and urban design studies. This methodology is applied in a case study sample. The main strategies which are explored in the theoretical-based part of this study are tested in Naghsh e Jahan Square, a historic square in the city of Isfahan, during Safavid era, specially the reign of Shah Abbas.

Keywords: urban spaces, power, Foucault theories of space-power, content analysing, "Naghsh e Jahan" square.